

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء (س)
سال سی و دوم، دوره جدید، شماره ۵۶، پیاپی ۱۴۶، زمستان ۱۴۰۱
مقاله علمی - پژوهشی
صفحات ۱۴۲-۱۱۹

بازاندیشی در سیر تحول مفهوم «بربر» در یونان عصر عتیق (از نبرد ترویا تا جنگ‌های یونانی-پارسی)^۱

امیرحسین مقدّس^۲

مرتضی دهقان‌نژاد^۳

اسماعیل سنگاری^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

چکیده

در متون بازمانده از عصر کلاسیک یونان (حدود ۵۰۷-۳۲۳ پ.م) به واژه‌ای پُرسامد - به‌ویژه برای اشاره به پارسیان هخامنشی - برمی‌خوریم که امروز هم در ادبیات سیاسی جهان کاربرد دارد: «بربر» یا براساس تلفظ تاریخی آن، «بَرَبَرُس» (*βάρβαρος*). این واژه که نخستین بار در سرود دوم از «ایلیاد» هومر به صورت *βαρβαρόφωνος* (= بربر-زبان/ بربر-آوا) برای اشاره به کاریبایان به کار رفته است، تنها دلالت بر «ناهم‌سانی زبانی» داشت و «بیگانه» معنا می‌داد. طی سده هفتم تا ششم پیش از میلاد، استعمال این واژه فزونی یافت و از آن نه تنها برای «دیگری‌سازی»^۵ زبانی، بلکه برای اشاره به «تمایزات فرهنگی» و «ارزش‌گذاری نظام اجتماعی اغیار» استفاده شد. در پژوهش پیش رو، نگارندگان بر آن بوده‌اند تا با تدقیق در ایلیاد هومر و پاره‌نوشته‌های یونانی بازمانده از سده ششم پیش از میلاد (عصر عتیق: حدود ۸۰۰-۵۰۷ پ.م)،

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hii.2023.42214.2721

شناسه دیجیتال (DOR): 20.1001.1.2008885.1401.32.56.5.5

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
amirhossein.moghaddas@gmail.com

۳. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)
m.dehghan@ltr.ui.ac.ir

۴. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
e.sangari@ltr.ui.ac.ir
- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «کاوشی در نمود پارسیان هخامنشی به مثابه «دیگری» در متون کهن بنیاد یونان باستان (۵۰۷-۳۲۳ پ.م)؛ رویکردی شرق‌شناسانه» در دانشگاه اصفهان است.

دلالت‌های معنایی واژه بربر را -به مثابه مفهومی غیریت‌ساز- وا پژوهیده، نقاط عطف تحول آن را برجسته سازند. یافته‌های پژوهش حاضر که با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش تبیین عقلانی فراهم آمده، نشان می‌دهد که واژه بربر از همان سپیده‌دمان یادکردش در چکامه هومر، با دلالت‌های (تلویحاً یا صراحتاً) منفی عجیب بوده است. همچنین با اصلاحات سولون در آتن و رشد فزاینده «به‌بردگی‌گیری» غیریونانیان در جهان یونانی سده ششم پیش از میلاد، رفته‌رفته مرز میان دو مفهوم «بربر» و «برده» برداشته شد و تحقیر «بردگان بربر» به شکل‌گیری ایده «برتری یونانی بر غیر یونانی» انجامید.

واژه‌های کلیدی: یونان باستان، دیگری‌سازی، بربر، برده، هومر

مقدمه

براساس کهن‌ترین شواهد مکتوب، یونانیان باستان از حدود سده هفتم پیش از میلاد به «دیگری»های خود (غیر یونانیان) «بربر» می‌گفتند. واژه بربر یک «نام‌آوا»^۱ است که به لحاظ ریشه‌شناختی، به خانواده زبانی هند و اروپایی تعلق دارد؛ چه در زبان سانسکریت نیز واژه «barbara» در معنای «الکن» به کار می‌رفت و به مردمان «غیر آریایی زبان» اطلاق می‌شد. در آغاز یونانیان این واژه را در همین معنا به کار گرفتند و مردمانی را «بربر» خواندند که «بیگانه» بودند و از «تکلم و تلفظ واژه‌های یونانی، عاجز» (Beekes, 2010: 201). این واژه که ابتدا از آن تنها معنای «بیگانه»، «متکلم به زبانی دیگر» و در مجموع «غیر یونانی» مستفاد می‌شد، در کمتر از دو سده (از سده ششم تا چهارم پیش از میلاد) چنان توسعه معنایی یافت که محملی برای مفاهیمی چون «وحشی»، «غیر-پلیس-نشین» (apolis)، «نامتمدن»، «شنا-نابلد» و «آموزش‌نیافته» شد و حتی فیلسوفی چون ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ پ.م) در اواسط سده چهارم پیش از میلاد از «خوی و خصال حیوانی بربرها» داد سخن داد (Aristotle, 1984: 2/1809).

در سه دهه اخیر این فرضیه که شکل‌گیری تقابل دوقطبی «یونانی-بربر» تابع «اصلاحات دموکراتیک آتن» (حدود ۵۰۷ پ.م) و «جنگ‌های یونانی-پارسی» (۴۹۰-۴۷۹ پ.م) بوده، نزد دانش‌پژوهان ایرانی و انیرانی مقبولیت بیشتری پیدا کرده است (برای نمونه، ر.ک. به: میرزایی، ۱۳۸۹: ۱۴۱؛ ۸: 25-28; Burstein, 2010; Hall, 1989; Marincola, 2007). نیز برای خلاصه جامعی از دیدگاه‌ها، ر.ک. به: Kim, 2013: 25-28). البته این فرضیه چندان مقرون به صواب نمی‌نماید و به نظر می‌رسد که منفی شدن بار معنایی واژه بربر، اگر نه از عصر کوچ‌نشینی

یونانیان، دست‌کم از سده ششم پیش از میلاد و اندک‌زمانی پیش از قدرت‌گیری پارسیان هخامنشی آغاز شده باشد. در پژوهش پیش رو، نگارندگان با بررسی متون و پاره‌نوشته‌های به‌یادگارمانده از سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد، تحولات معنایی واژه بربر و مدلول‌های بربریت غیر یونانیان را از منظر زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی (با تأکید بر نظام برده‌داری یونانیان) بررسی کرده و تلاش کرده‌اند نگاهی نقادانه به مسئله دیگری‌سازی یونانیان باستان داشته باشند.

ریشه‌شناسی واژه بربر

در زبان یونانی باستان، واژه «بربرس» (*βάρβαρος*) یک «نام‌آوا» بوده و از تکرار دو جزء «بر» (*βαρ-*) و پسوند اسم/صفت‌ساز «اس» (*-ος*) ساخته شده است. این واژه به لحاظ ریشه‌شناختی به خانواده زبانی هندواروپایی تعلق دارد؛ چه در زبان سانسکریت پسوادایی (حدود ۱۰۰۰-۶۰۰ پ.م) نیز واژه *barbara* در معنای «آلکن» به کار می‌رفت و به «مردمان غیرآریایی‌زبان» اطلاق می‌شد (Beekes, 2010: 201). البته درباره ریشه واژه بربر در زبان سانسکریت اتفاق نظر وجود ندارد. «مانفرد مایرهورفر»^۱ به قید احتمال و به این ظن که ممکن است همخوان /l/ در گذر زمان به /r/ تبدیل شده باشد، واژه *barbara* در زبان سانسکریت را با *balbūlá* که نام دیو-ماری در حماسه کهن «باب مرغ»^۲ (مربوط به عصر ودایی: حدود ۱۵۰۰-۱۰۰۰ پ.م) بوده، مرتبط دانسته است (Mayrhofer, 1998: 2/217)، اما «ماکس مولر»^۳ خاورشناس آلمانی، قویاً بر این باور بود که این واژه اصلاً به معنای «مودار»، «پشمالو» و مجازاً «خشن» بوده و برای این استدلال، واژه *barbaratā* در رساله ودایی پرتیشاخیه^۴ را گواه گرفت (Müller, 1867: 453-454). بنابراین می‌توان گفت این واژه از اساس برای اشاره به «دیگری»هایی به کار می‌رفته که کلمات را خشن تلفظ می‌کرده‌اند.^۵ نظر به آنکه در شماری از زبان‌های باستانی شرقی، نظیر سومری و اکدی واژه «*barbaru*» در معنای «غریبه» و «بیگانه» کاربرد داشته (Pokorny, 1959: 1/91-92) و نیز با توجه به اینکه تاکنون دلیلی بر ارتباط مستقیم یونان و هند در عصر پیشاکلاسیک یونان یافت نشده، پذیرفتنی است که گمان بریم این واژه به صورت قرضی از

1. Manfred Mayrhofer
2. *Suparnākhyaṇa*
3. Max Müller
4. *Prātiśākhyā*

۵. زبان‌شناسان صورت نیاهندواروپایی این واژه را به صورت **balbal-* به معنی «زبان‌بسته» و «گفتار بی‌معنی» بازسازی کرده‌اند (Pokorny, 1959: 1/91).

زبانی میان‌رودانی به یونانی راه یافته است^۱ (Weidner, 1913; Hall, 1989: 4; cf.).
(Chantraine, 1968: 165).

یادکرد واژه بربر در سده‌های هفتم و ششم پیش از میلاد

بررسی متون و پاره‌نوشته‌ها (Fragments)

نخستین و تنها کاربرد واژه بربر در حماسه اولیّه یونان، مربوط به سرود دوم/یلیاد در بخش معروف «سیاهه کشتی‌ها»^۲ است و در آنجا هومر، کاریایان آسیانشین را -که از متحدان ترویایی‌ها بودند- «بَرَبْرُفون»^۳ (= بربر-زبان/بربر-آوا) لقب داده است (Homer, 1924: 1/114-115). با این حال، تصریح مؤکد «ثوکودیدس» مبنی بر اینکه آثار هومر از واژه «بربر» تهی است (ثوکودیدس، ۱۳۹۷: ۲۷)، کاربرد این واژه را در متن اولیّه/یلیاد از سوی پژوهندگان متون کلاسیک با اما و اگرهای جدی همراه کرده است^۴ (Almagor, 2005: 44-47; Hall, 2002: 6-111-112; Lévy, 1984: 6). افزون بر این، به درستی مشخص نیست که منظور هومر از بربرزبان نامیدن کاریایان چه بوده است؟ آیا او بر این باور بوده که کاریایان به زبانی جز یونانی تکلم می‌کرده‌اند، یا به صورت دست و پا شکسته به یونانی سخن می‌گفته‌اند؟ البته برای هر یک از این فرضیات پیشنهاداتی ارائه شده است (Kelly, 2011: 1/123; Almagor, 2005: 45, n. 12)، اما فرضیه دوم مقرون به‌صواب‌تر می‌نماید و گویا آنچه هومر از بَرَبْرُفون بودن کاریایان مدّ نظر داشته، «تکلم آنان به زبان یونانی با لهجه‌ای خارجی» بوده است (Almagor, 2005: 46)؛ زیرا هومر نبرد ترویا را نه ستیز میان یونانیان و بربرها، بلکه نزاعی درون جهان یونانی می‌دید و از همین رو به لحاظ فرهنگی تمایز چندانی میان آخاییان و ترویایی‌ها قائل نشده است (Benveniste, 2016: 381-382). «اران آلماکور»^۵ پژوهشگر تاریخ هخامنشی، در تأیید و تحکیم این نظریه باورمند است که کاریایان به عنوان «بربرهای یونانی مآب»، به لحاظ قوم‌شناختی نزد هومر جایگاهی ویژه داشته‌اند و به همین دلیل در زمان

۱. همچنین برای اسم خاص ابهام‌آمیز (احتمالاً *Πάρπαρος*) *pa-pa-ro* در کتیبه PY Cn 643 به خط لیئثار B مکشوفه از پوئس (Pylos) از حدود ۱۲۰۰ پ.م و ارتباط احتمالی آن با واژه بربر، ر.ک. به: Lejeune, 1958: 204.

2. Νεών κατάλογος/ Catalogue of Ships

3. βαρβάρωφονος/ Barbarophōnos

۴. با توجه به اینکه این بخش از/یلیاد در برابر الحاق‌های بعدی بسیار آسیب‌پذیر بوده (Kim, 2013: 29)، بعید نیست اگر واژه «بربر» در اینجا «ابداعی» (Neologism) و برافزوده ناسخان سپسین بوده باشد.

5. Eran Almagor

شکل‌گیری حماسه‌های هومری (حدود ۶۵۰ پ.م)^۱ در دسته‌ای مستقل (بربرفون‌ها) در کنار «هلنی‌ها» و «بررها» طبقه‌بندی شدند. به بیان دیگر، با توجه به اینکه زبان کاریاییان نه یونانی خالص بود و نه بربری و «حسی از فاصله» (Distanzgefühl) میان آنان و یونانیان وجود داشت (Weiler, 1968: 22)، گروه جدید بربرفون‌ها در جهان اندیشگی یونانیان پدید آمد تا مردمانی را که به هیچ‌یک از دو طرف قطب تعلق نداشتند، بازتعریف کند (Almagor, 2005: 46-47).

از یادکرد پرابهام واژه بربر (به صورت صفت ملکی در ترکیب «کاریاییان بربر-زبان/بربر-آوا») در *ایلیاد* هومر که بگذریم، تا پیش از سده پنجم پیش از میلاد، در پنج پاره‌نوشته دیگر کاربرد واژه بربر را شاهدیم. «دیوگنس لائرتیوس»^۲ در اثر درخشان خود به نام *حیات و آراء فیلسوفان نامی*، به نقل از «هرمیپوس سمورنایی»^۳ این سخن را به «تالس»^۴ (حدود ۶۲۴-۵۴۵ پ.م) ریاضی‌دان، ستاره‌شناس و فیلسوف میلئوسی نسبت داده است: «از توخه (ایزدبانوی بخت و اقبال) سپاسگزارم که این سه نعمت را بر من ارزانی داشته است: نخست اینکه انسان زاده شدم، نه حیوان؛ دوم اینکه مرد هستم و نه زن؛ سوم اینکه یونانی‌ام و نه بربر» (دیوگنس لائرتیوس، ۱۳۹۳: ۲۶). این سخن حتی اگر از تالس نباشد (چنان‌که آن را به سقراط هم نسبت داده‌اند) و حتی اگر نه در سده ششم، بلکه در سده پنجم پیش از میلاد بیان شده باشد، سخنی بسیار مهم است؛ زیرا آیین تمام‌نمای ذهنیت یونانیان باستان و چارچوبه‌ای برای درک روند دیگری‌سازی‌ها و شناخت کلیشه‌های قومی/ملی آنان است و بنیان سازوکارهای «زنانه‌سازی بررها» و «حیوان‌وار نشان دادن زیست آنان» در سده‌های سپسین بر این انگاره کلیدی استوار شده است (برای تفصیل درباره تقابل‌های دوگانه «مرد-زن» و «یونانی-بربر» در یونان باستان، ر.ک. به: Cartledge, 2002: 78-104, 133-166).

چهار یادکرد بعدی از واژه بربر، جملگی به اواخر سده ششم پیش از میلاد مربوط‌اند. در چکامه‌ای از «آناکرتون»^۵ (حدود ۵۸۲-۴۸۵ پ.م)، شاعر غنایی زاده «آبخوست تئوس»^۶ در آسیای صغیر، این چنین به واژه بربر برمی‌خوریم: «آن صدای بیگانه را فرو بنشان [ای زئوس]، [ترسم که] بربرانه سخن گویی!» (Page, 1962: 209; Bernsdorff, 2021: 1/208-209, 2/733-735). در اینجا می‌بینیم که دیگر بار صفت بربرانه برای اشاره به «زبان غیر یونانیان» به کار رفته است؛ مشابه با کاربردی که پیشتر در *ایلیاد* هومر آن را شاهد بودیم؛ با این تفاوت که دلالت

۱. درباره زمان زندگی هومر، ر.ک. به: Burkert, 1976; Osborne, 2009: 152.

۲. Διογένης Λαέρτιος/ Diogenes Laërtius

۳. Ἑρμιππος ὁ Σμυρναῖος/ Hermippus of Smyrna

۴. Θαλῆς ὁ Μιλήσιος/ Thales of Miletus

۵. Ἀνακρέων/ Anacreon

۶. Τέως/ Teos

تحقیق‌آمیز واژه بربر در این بافتار کاملاً واضح و مشخص است. با توجه به پاره‌نوشته‌های دیگری که از آن‌اکرئون به یادگار مانده، می‌دانیم که او نگاه مثبتی به بربرها نداشته است. او در جایی نوجوانان تراکیایی را «شهوَت‌انگیز» و در جایی دیگر، بزم‌نشینی اسکیت‌ها را «زننده» توصیف کرده است (Hall, 1989: 18). از این رو، بیراه نیست اگر آن‌اکرئون از آنکه خدایش به زبانی جز یونانی سخن گوید، هراسان شده باشد!

یادکرد بعدی از زبان «هکاتایوس»، جغرافیادان میلئوسی، (حدود ۵۵۰-۴۷۶ پ.م) نقل شده است. در پاره‌نوشته‌ای که از هکاتایوس در جغرافیای استرابون محفوظ مانده، این‌چنین به بربرها اشاره شده است: «پلوپونسوس، پیش از درآمدن هلنی‌ها، مسکن بربرها بوده است» (Strabo, 2014: 314). اگر سخن منسوب به تالس را گزین‌گویی‌ای متأخر و مربوط به واسط یا اواخر سده پنجم به حساب آوریم، می‌توانیم بگوییم که در پاره‌نوشته هکاتایوس برای نخستین بار کاربرد واژه «بربر» را در جایگاه اسم (و نه صفت) شاهدیم.

هراکلیتوس^۱ (حدود ۵۳۵-۴۷۵ پ.م)، فیلسوف پیشاسقراطی افسوسی و بانی نگرش سیلان یا شدن پیوسته «همه‌چیز» در جهان، نیز در پاره‌نوشته‌ای که از او در آثار «سکستوس امپیریوس»^۲ و «استوبایوس»^۳ نقل شده، واژه بربر را در جایگاه صفت به کار برده است: «گواهان کم‌توان آدمی، چشم‌ها و گوش‌های کسانی‌اند که جان‌هایی بربر دارند» (گراهام، ۱۳۹۹: ۱۹۳؛ Graham, 2010: 1/148-149). شارحان هراکلیتوس غالباً بر این نکته تأکید می‌کنند که هراکلیتوس از «تجربه» به عنوان منبعی برای «کسب حکمت» استقبال می‌کرده است و هم او خود در جایی به ما می‌گوید: «چیزهایی را بیشتر می‌پسندم که در آنها دیدن، شنیدن و آزمودن است» (گراهام، ۱۳۹۹: ۱۹۳؛ Graham, 2010: 1/148-149). با این حال، به نظر می‌رسد تجربه با آنکه برای کسب حکمت لازم است، به هیچ‌وجه کافی نیست و پاره‌نوشته مورد بحث ما (B107) گواه آن است. درواقع، هراکلیتوس می‌خواست به ما بگوید که برای مثال، اگر یک برده بربر گفت‌وگوی میان یونانیان را مشاهده کند، حتی اگر آن را با دقت ببیند و بشنود، اهمیت آن را درک نخواهد کرد؛ زیرا بربر فردی غیر یونانی‌زبان است و از دید هراکلیتوس، «زبان‌نافهم» که منظور یونانی است؛ تنها زبانی که به باور یونانیان ارزش دانستن داشته است^۴ (برای تفصیل، ر.ک. به: Graham, 2008: 176-177).

1. Ἡράκλειτος/ Heraclitus

2. Σέξτος Ἐμπειρικός/ Sextus Empiricus

3. Στοβαῖος/ Stobaeus

۴. درواقع، صحبت نکردن بربرها به زبان یونانی به این معنی بوده که آنان یونانی‌زندی نمی‌کرده‌اند و یونانی نمی‌اندیشیده‌اند. همچنین بربرها فاقد «لوگوس» تصور می‌شدند که باعث می‌شد ناتوان از «استدلال»، «شناخت نیک و بد» و «سخنرانی در مآل عام» فرض شوند (کیتو، ۱۳۹۳: ۱۲؛ Smith, 1991: 152).

واپسین یادکرد از واژه بربر در عصر پیشاکلاسیک یونان را نزد دیودوروس سیکولوس می‌یابیم. او در کتابخانه تاریخی آورده است که در واپسین سال‌ها از سده ششم پیش از میلاد، «باتوس»^۱ بانی کوچ‌نشین یونانی در کورن^۲ لیبی، چون به سن مردی رسید، با توجه به اینکه لال و عاجز از تکلم بود، برای آگاهی از چگونگی درمان صدایش (؟) به نزد هاتف دلفوی رفت و از او چنین شنید: «باتوس، تو برای صدایت به اینجا آمده‌ای، اما فویوس^۳ [و خداوندگار] آپولون تو را به لیبی می‌فرستند تا آنجا بر کورن^۲ پهناور حکم رانی و از مکانی که برای شاهان در نظر گرفته شده، لذت ببری. در آنجا به جنگجویان بربری برمی‌خوری که پوست وحوش را بر تن جامه کرده‌اند. چون بر خاک لیبی پای نهی، آنان بر تو خواهند تاخت» (Parke and Wormell, 1956: 2/31-33). آن‌گونه که از محتوای متن برمی‌آید، واژه بربر در اینجا منحصرأ «بیگانه» و «غیر یونانی‌زبان» معنا نمی‌دهد و «زیست بدوی و حیوانی» بومیان لیبی در بربر لقب گرفتن آنها بی‌تأثیر نبوده است. به بیان دیگر، هیچ بعید نیست که یونانیان دست‌کم از سال‌های پایانی سده ششم پیش از میلاد، معیارهایی جز «زبان» را برای «دیگری‌سازی» و انتساب واژه بربر به «غیر خود» در نظر گرفته باشند.

«بربر-زبان» یا «بربر-آوا»؟

حال باید به این پرسش پاسخ دهیم که واژه بربر از نخستین یادکردش در /یلیاد تا پیشگویی خطاب به باتوس چه معنا و دلالت‌هایی داشته و دیگری‌سازی یونانیان حول چه خصیصه‌هایی صورت گرفته است.

در چند دهه اخیر، به‌ویژه در آثار و تأملات دانش‌پژوهان غربی، شاهد این فرضیه «عموماً مقبول» بوده‌ایم که واژه بربر تا پیش از جنگ‌های یونانی-پارسی از معانی تحقیرآمیز و منفی تهی بوده و تنها با لشکرکشی داریوش و خشیارشا به خاک یونان بود که این واژه روند تحولات معنایی خود را آغاز کرد و برای اشاره به «دشمنانی بیگانه» با «فرهنگی منحن» و «جامعه‌ای رو به زوال» به کار رفت (Hall, 1989; Marincola, 2007; Burstein, 2010: 8). البته این فرضیه به دلایلی چند نمی‌تواند صحیح باشد. در سهمگین بودن حملات پارسیان به یونان تردید نیست و حتی می‌دانیم که یونانیان پیروزی‌های خود علیه پارسیان را معجزه‌ای از جانب خدایان و نیمه‌خدایانشان تلقی می‌کردند (سنگاری، مقدس و خسروی، ۱۴۰۱: ۲۰؛

1. Βάττος/ Battus I
2. Κυρήνη/ Cyrene
3. Φοῖβος/ Phoebus

یونانیان به مقولهٔ برده‌داری و تحلیل زبان‌شناختی پاره‌نوشته‌هایی که متضمن واژهٔ بربر است، می‌توانیم به نگاه خودبرترینانهٔ یونانیان و بار تحقیرآمیزی که در واژهٔ بربر نهفته است، پی ببریم.

دوباره به هومر بازمی‌گردیم. در آثار هومر با «نشانگرهای فرهنگی»^۱ متعددی برای تمایزگذاری میان جوامع انسانی، حیوانات و خدایان روبه‌رویم. برای نمونه، یکی از چشمگیرترین ابزارهایی که هومر برای طبقه‌بندی موجودات زمینی و آسمانی استفاده کرده، انتخاب دقیق مواد غذایی و خوراک‌های مورد استفادهٔ آنها بوده است. رژیم‌های مختلف غذایی که در ادیسه یافت می‌شود، اشارهٔ مستقیمی به تفاوت‌های فرهنگی گستردهٔ میان گروه‌های مختلف انسانی دارد و همچنین بر تمایز میان خدایان، انسان‌ها و حیوانات تأکید می‌کند. از همین رو، وقتی «کالوپسو»^۲ بَعْدُخت ساکن در آبخوست اوگوگیا^۳ و اودوسئوس با یکدیگر به طعام نشستند، کالوپسو از آمبروسیا^۴ -که خوراک ایزدان بود- میل کرد؛ درحالی‌که اودوسئوس غذای معمول فانیان را خورد (Homer, 1919: 1/184-185). به علاوه می‌بینیم که در آثار هومر، برخی گروه‌های قومی مانند «لوتوف‌اگ‌ها»^۵ (به معنی نیلوفرخوران؛ Homer, 1919: 1/308-309) که گویا در سواحل لیبی اقامت داشته‌اند (Herodotus, 1921: 379)، براساس رژیم غذایی‌شان نام‌گذاری شده بودند. همچنین در قیاس با انسان‌ها که اغلب «نان‌خوار» نامیده می‌شوند، با غولانی «انسان‌خوار» همچون «کوکلوپس‌ها»^۶ نیز روبه‌رو می‌شویم (Homer, 1919: 1/322-323).

بدین اعتبار می‌توان گفت «خوراک» یک نشانگر فرهنگی مهم نزد هومر و یونانیان باستان بوده است (Levine Gera, 2003: 1). «زبان» نیز مؤلفهٔ مهم دیگری است که وجه ممیز فرهنگ‌های انسانی و غیرانسانی در آثار هومر است. ناگفته مشخص است که هومر از وجود زبان‌های گوناگون آگاه بوده و استفادهٔ مکرر وی از ترکیب *ἀλλοθρόους ἄνθρωπους* به معنی «انسان‌های بیگانه‌زبان» (در حالت رایج جمع) در ادیسه مؤید این ادعاست. او همچنین در بند هشتصد و چهارم از سرود دوم *ایلیاد* مشخصاً به زبان‌های گوناگونی که لشکریان ترویا بدان تکلم می‌کرده‌اند، اشاره کرده و سپاه پریام (شهریار ترویا) را متشکل از اقوام و نژادهای مختلف

-
1. Cultural Marker
 2. Καλυψώ/ Calypso
 3. Ωγυγίη/ Ogygia
 4. ἀμβροσία/ Ambrosia
 5. λωτοφάγοι/ Ithophagoi
 6. Κύκλωπες/ Cyclopes

با «زبان‌های گوناگون» (*ἄλλων γλῶσσα*) توصیف کرده است (Homer, 1924: 1/110-111). این چندزبانگی و تنوع فرهنگی همچنین هومر را بر آن داشته است تا در *ایلیاد* سپاهیان ترویا را به «میشان بعب‌کن» (*μεμακυῖται ... ὄϊες/ bleating lambs*) و «ژرناهای صغیرکش» (*κλαγγὴ γεράνων/ clamorous cranes*) تشبیه کند که به نظر می‌رسد تشبیهاتی تحقیرآمیز باشند^۱ (Homer, 1924: 1/116-117, 184-185; Levine Gera, 2003: 2). زبان نامفهوم بربرها به صدای حیوانات و پرندگان، خاص هومر نیست و در ادبیات سپسین یونان نیز بارها با این تشبیه روبه‌رو بوده‌ایم (برای تفصیل، ر.ک. به: Harrison, 1998: 18, n. 80). برای نمونه، در ترکیب «نغمه بربرانه» (*μέλῃσι βαρβάρους/ barbarian songs*) سوگ‌رنجگان *کاهنه‌های باکوس* ائوریپیدس با استعاره‌ای مصرح روبه‌رو می‌شویم که برحسب آن، «صدای بربر» به «نغمه پرنده» تشبیه شده است (ائوریپیدس، ۱۳۹۹: ۶۴؛ Euripides, 1996: 122-123)؛ یا در *تواریخ* می‌بینیم که هرودوت «صدای زنان مصری» را به «آوای پرندگان سیاه» تشبیه کرده است (Herodotus, 1920: 342-345).

در تشبیهاتی از قبیل موارد بالا که مشبیه حیواناتی پُرسروصدا و گله‌زی‌اند، از دو منظر می‌توان دیگری‌سازی زبانی یونانیان را مورد بررسی قرار داد: ۱. نگرستن به زبان اغیار به مثابه زبانی «نامفهوم»؛ ۲. «حیوان‌وارگی» زبان غیر یونانیان. در توضیح مورد اول باید گفت در متون عصر کلاسیک یونان هر جا سخن از زبانی «بیگانه» شده، بر «نامفهوم بودن» آن زبان به عنوان «اصلی کلیدی» تأکید شده است و عموماً تصویری کاریکاتورگون از جامعه متکلم بدان، ضمیمه بحث شده است (Harrison, 1998: 13, 17). برای نمونه، نوکودیدس در کتاب سوم از *تاریخ جنگ پلوپونسوسی* مشخصاً با همین رویکرد یک توصیف اجمالی از قبایل «آپودوتیا»^۲، «اوفیونیا»^۳ و «اوروتانیا»^۴ - که در ایتولیا در یونان مرکزی زندگی می‌کردند- به دست داده است: «آنان به‌زبانی تقریباً نامفهوم (*ἀγνώστατοι δὲ γλῶσσαν*) سخن می‌گویند و گوشت را خام می‌خورند» (نوکودیدس، ۱۳۹۷: ۲۰۴). در *تواریخ* هرودوت نیز در وصف «گارامنته‌ها»^۵ که از

۱. به نظر می‌رسد از دیدگاه هومر فقدان نظم و انضباط ارتش ترویا با فقدان یک زبان واحد و مشترک مرتبط بوده است؛ زیرا در دیگر سو می‌بینیم که آخاییان تک‌زبان به‌طور چشمگیری آرام، ساکت و منظم بودند. احتمالاً در اینجا دیدگاه بابلی-توراتی مبنی بر اینکه چندزبانگی به گسست و بی‌نظمی عمومی می‌انجامد، بر اندیشه هومر تأثیر گذاشته است (Levine Gera, 2003: 1)؛ برای اسطوره برج بابل و درهم‌ریختگی زبان‌ها به فرمان یهوه در سفر پیدایش، ر.ک. به: عهد عتیق، ۱۳۹۳: ۱۶۱-۱۶۳).

2. Αποδοτία/ Apodotia
3. Οφιονία/ Ophionia
4. Ευρυτανία/ Eurytania
5. Γαράμαντες/ Garamantes

بومیان ساکن لیبی بودند، چنین آمده است: «زبانشان شبیه به هیچ زبان دیگری نیست و هنگام سخن گفتن چنان فریاد تیزی می‌کشند که شبیه به جیغ خفاش است. آنان از مار، مارمولک و سایر خزندگان تغذیه می‌کنند» (هرودوت، ۱۳۸۹: ۱/۵۲۸؛ Herodotus, 1921: 384-387).

تامس هریسون^۱ در تفسیر و توضیح این نگرش یونانیان معتقد است: «نمایش بربرها به عنوان گروهی نامنظم و نابسامان و گله‌ای متشکل از اقوام مختلف و بی‌شمار که هر یک به زبان خاص خود صحبت می‌کنند، کلیشه‌ای است که از هومر و هرودوت و آیسخولوس تا افلاطون و پولیبیوس تکرار شده است. این مسئله احتمالاً بدان معنا نیست که یونانیان از اساس [بربرها] را فاقد قوه تکلم تصور می‌کرده‌اند، بلکه تنها مروج این ایده است که زبان بیگانگان، در مقایسه با زبان یونانی، از جهاتی نامعتبر تلقی می‌شده است. [این نگرش یونانیان] مشخصاً با توصیف‌های مکرر آنها از زبان‌های بیگانه به مثابه صدای حیوانات مطابقت دارد» (Harrison, 1998: 19-20).

در توضیح حیوان‌وارگی زبان غیر یونانیان نیز باید گفت در زبان یونانی باستان برای تمایزگذاری میان زبان آدمیان و حیوانات، با چهار اصطلاح مختلف روبه‌رو می‌شویم که البته مرز نامشخصی دارند و گاهگه دو به دو به جای یکدیگر به کار گرفته شده‌اند: «دیالکتوس» و «گلسا» (διάρηκτος and γλώσσα/ language) که «زبان» معنا می‌دهند و «فونه» و «پسوفوس» (φωνή and ψόφος/ sound or voice) که به معنی «صدا» می‌باشند. درباره تفاوت میان زبان آدمیان و حیوانات، در آثار یونانیان عصر کلاسیک نظرهای «جالب» اما «مبهمی» مطرح شده است. ارسطو که انسان را «تنها حیوانی [می‌دانست] که لوگوس^۲ می‌داند» (Aristotle, 1984: 2/1988)، در رساله طبع/حیوان^۳ گفته است حیوانات هم در «زبان» و هم در «صدا» با یکدیگر تفاوت دارند، حال آنکه آدمیان جملگی در «صدا» یکسان‌اند و تنها در «زبان» با یکدیگر تفاوت دارند (Aristotle, 1984: 1/848). در پایان عصر کلاسیک یونان نیز در رساله ارسطویی پروبلماتا^۴ در تمایز میان زبان حیوانات و انسان‌ها آمده است: «حیوانات [به‌خلاف آدمیزادگان] نهایتاً قادر به ادا کردن چند همخوان می‌باشند» (Aristotle, 1984: 2/1386-1387) و از همین رو، کودکان تا پیش از فراگیری زبان به مانند حیوانات سخن می‌گویند (Harrison, 1998: 16). چنان‌که مشاهده می‌شود، یونانیان نتوانسته‌اند به دقت مرزی را میان

1. Thomas Harrison

۲. لوگوس در آثار ارسطویی عموماً «علت عقلی» (ratio)، «منطق» (reason) و «قوه ناطقه» (speech) معنی می‌دهد؛ ر.ک. به: Aygün, 2017: xiv.

3. Τῶν περὶ τὰ ζῴα ἱστοριῶν/ History of Animals

4. Προβλήματα/ Problemata

زبان و صدای آدمیان و حیوانات برقرار کنند و «احتمالاً قیاس شایع گفتار بربرها با صدای ددان و پرندگان، منعکس کننده همین مرز خاکستری میان گفتار انسان و حیوان بوده است» (ibid). علاوه بر این، در *ادیسه* هومر ذیل ماجرای رویارویی اودوسئوس با پولوفموس^۱ فرزند *پُسیدن*، مسئله «حیوان‌وارگی زبان بربرها» روشن‌تر می‌شود. پولوفموس که از نژاد «کوکلوپس‌ها» (غولان یک چشم) است، ویژگی‌های زبانی عجیبی از خود نشان می‌دهد که در قیاس با توانش زبانی انسان‌ها بسی ابتدایی‌تر به نظر می‌رسد. او برای برقراری ارتباط با گله میشان و گوسفندان سوت می‌زند (Homer, 1919: 1/328-329)، میشی پروار را دوستانه مخاطب حرف‌های خود قرار می‌دهد (Homer, 1919: 1/334-335) و حتی به سادگی فریب زبان‌بازی و سفسطه اودوسئوس را می‌خورد که نام واقعی‌اش را از او پنهان کرده و خود را به او «هیچ‌کس» (*Οὐτις/ Nobody*) معرفی می‌کند (Homer, 1919: 1/328-329). به دنبال آن، هنگامی که اودوسئوس چشم پولوفموس را کور می‌کند، آن غول یک چشم نمی‌تواند از غولان دیگر - که در همسایگی‌اش زندگی می‌کردند - یاری بطلبد و به آنان توضیح دهد که چگونه «هیچ‌کس» او را زخمی کرده است (Homer, 1919: 1/330-333). پاسخ همسایگان پولوفموس به وی نیز نشانه دیگری بر توانش زبانی پایین آنان است: «اگر به راستی چنین است و «هیچ‌کس» (*μὴ τίς*) در خلوتت با تو پرخاش می‌کند، همانا زئوس بلایی گسیل داشته است که از آن خلاصی نتوانی یافت؛ پس پدرت *پُسیدن* را به کمک فرا بخوان، آن خدیو والا را!» (ibid). در واقع، برای غولان غیرقابل فهم بود که چگونه «هیچ‌کس» می‌تواند موجب ایجاد زخم شود و با توسل به همین «حیله زبانی» بود که اودوسئوس موفق به فرار از چنگ آنان شد.

پس می‌بینیم که «زبان» در آثار هومر یک «نشانه فرهنگی» مهم است و توانش زبانی انسان‌ها، خدایان و غولان (که خوی حیوانی پررنگ‌تری دارند) به یک اندازه نیست. علاوه بر آن، چنان‌که پیشتر نیز اشاره شد، واژه *φωνή*- در زبان یونانی باستان برای اشاره به «اصوات و آواهای غیرانسانی» به کار می‌رفته و در آثار هومر نیز چنین کاربردی داشته است؛ در حالی که واژه مورد استفاده یونانیان برای اشاره به «گفتار قابل فهم» *αὐδὴ* بوده است. از این رو، واژه *βαρβαρόφωνος* (*βαρβαρ-ὄ-φωνος*) نیز می‌تواند به طور ضمنی دلالت بر «حیوان‌وارگی» زبان بربرها داشته باشد و حتی شاید بهتر باشد که به جای «بربرزبان»، این اصطلاح را به صورت «بربرآوا» ترجمه کنیم؛ زیرا از دیدگاه یونانیان، گفتار بربرها بیش از آنکه زبانی قابل فهم بوده باشد، به اصواتی نامفهوم شبیه بوده است (Levine Gera, 2003: 2-3). در این باره

1. Πολύφημος/ Polyphemos

می‌توان به رساله پروتاگوراس افلاطون هم استشهاد کرد که در آن، سخنی منقول از «پیتاکوس^۱ لسبوسی» - از حکمای سبعة یونان کهن - بد فهم می‌شود و افلاطون از قول «پرودیکوس»^۲ به ما می‌گوید که آنچه منجر به این کژفهمی شده، «لسبوسی بودن» و «زبان‌نادانی» پیتاکوس است؛ زیرا او متکلم به «آوای بربری» (*φωνῆ βαρβάρως*) بوده است (افلاطون، ۱۳۹۹: ۱۶۰-۱۶۱؛ برای توضیح در این باره، ر.ک. به: Tuplin, 1999: 69-70).

افزون بر تمامی این موارد، تصریح مؤکد استرابون در *جغرافیا* نیز می‌تواند پرتوی بر بار معنایی واژه بربر در جامعه پیشاکلاسیک یونان بیفکند. به باور استرابون، واژه بربر از همان آغاز واژه‌ای برای «تمسخر و استهزاء» (*κατά τό λοιδορον*) غیر یونانی‌زبانان بوده و به مرور زمان «به عنوان یک اصطلاح قومی عمومی» (*ὡς ἐθνικῆ κοινῆ ὀνόματι*) کاربرد یافته است (استرابو، ۱۳۹۶: ۲۳۰؛ Strabo, 2014: 625). طبق توضیح استرابون، نام‌آوا بودن واژه بربر به خودی خود نشان‌دهنده نقصی در بیان غیر یونانیان بوده که به موجب آن، کلمات را با خشونت و زمختی ادا می‌کرده‌اند. او همچنین یک روند تاریخی را از تکامل واژه بربر ترسیم کرده و از «گفتار خشن و تمسخرآمیز غیر یونانیان» به «بیگانگی (= بربریت) آنان»^۳ پُل زده است (Almagor, 2005: 45). این بدان معناست که یونانیان زبان بربرها را در قیاس با زبان خود «ابتدایی‌تر»، «خشن‌تر» و «نامعتبرتر» می‌دیدند و توصیفات و تشبیهات مکرری که درباره «نامفهوم بودن» و «حیوان‌وارگی» زبان بربرها در متون کهن بنیاد یونانی یافت می‌شود، برخاسته از همین نگرش بوده است. از این رو، بیراه نیست اگر بگوییم که نگاه بخشی از یونانیان به «زبان بربرها»، دست‌کم از سده هفتم پیش از میلاد به بعد، مشابه با نگاهی بوده که هومر به پولوفوموس و جوامع کولوپس داشته است.

برندگان در جهان یونانی: دیگری‌های درونی

افزون بر رویکرد زبان‌شناختی که جایگاه پست بربرها را در اندیشه یونانیان عصر عتیق به ما نشان داد، از منظر جامعه‌شناختی (به‌ویژه با تحلیل نظام برده‌داری یونانیان) نیز می‌توان به نتیجه تقریباً مشابهی رسید.

تا آنجا که از منابع عصر کلاسیک یونان برمی‌آید، دو واژه «بربر» و «برده» در اندیشه یونانیان آن عصر به واژه‌هایی مترادف تبدیل شده بودند؛ تا حدی که به گفته وینسنت روسیواچ^۳ «وقتی آتینیان به برده‌ها فکر می‌کردند، معمولاً به یاد بربرها می‌افتادند و وقتی به

1. Πιττακός/ Pittacus
2. Πρόδικος/ Prodicus
3. Vincent Rosivach

بربرها فکر می‌کردند، یاد بردگان در ضمیرشان خلجان می‌یافت» (Rosivach, 1999: 129). این بدان معناست که حضور بردگان در یونان -به‌ویژه در خطه آتیکا- در شکل‌گیری مفهوم بربر تأثیرگذار بوده است. نزدیک به سه دهه پیش، «ایدث هال» در اثر درخشان خود با عنوان *ابداع بربر: خودشناسی یونانی از دل تراژدی* بر این نکته تأکید کرده بود که نگاه آتینیان به بربرها، آن‌گونه که در تراژدی آتینی منعکس شده، زائیده سده پنجم پیش از میلاد و ساخت مفهوم بربر عمیقاً تحت تأثیر تجربه آتینی‌ها از «توسعه دموکراسی» و «جنگ‌های یونانی-پارسی» بوده است (Hall, 1989: 16-17). با وجود این، دشوار بتوان پذیرفت که «یونانیان برده‌دار» تا «اصلاحات کلیسینس» و «لشکرکشی داریوش و خشیارشا» برای تعریف هویت جمعی‌شان دست روی دست گذاشته باشند و بی‌اعتنا به دوقطبی‌سازی‌های معمول ذهنی‌شان، با «خودی‌ها» و «دیگری‌ها» (← بردگان حاضر در جامعه‌شان) یکسان تعامل برقرار کرده باشند! به بیان دیگر «اگر آتینی‌ها پیش از ظهور دموکراسی و جنگ‌های یونانی-پارسی، بربرها را به بردگی می‌کشیدند، منطقی است تصور کنیم که آنها سابقاً به ساخت «تصویری ایدئولوژیک از بربر[ها]» (ideological barbaros) دست زده بودند که نه به تجربه‌شان از جنگ‌ها بستگی داشت و نه به ایده دموکراسی وابسته بود. در واقع، نگاه ایدئولوژیک به بربرها، در مراحل ساده و اولیه‌اش، برآمده از تجربه آتینی‌ها در مواجهه با بربرهای برده‌شده در جامعه خودشان بوده است» (Rosivach, 1999: 129).

دلیل اهمیت بردگان هم البته مشخص است؛ آنان «دیگری‌هایی با منشأ خارجی بودند که جمعیت پرشمار و روزافزون‌شان چهره یونان اواخر عصر عتیق را به کلی دگرگون کرده بود. آنان در حرفی چون حمل‌ونقل، کشاورزی و خانه‌داری مشغول به کار می‌شدند و مراکز تجاری، کارگاه‌های کشتی‌سازی و معادن لائوریوم^۱ آتیکا بدون وجود آنان قادر به ادامه حیات نبود؛ زیرا نزدیک به ۹۰٪ از کارگران معادن نقره را بردگان تشکیل می‌دادند (Tordoff, 2013: 6-7). تنها در سال ۴۳۲ پ.م حدود ده‌هزار برده در آتن مشغول به کار و زندگی بوده‌اند (دوبلوئیس و وان‌دراسپیک، ۱۴۰۰: ۱۷۴)؛ و البته این رقم بدون احتساب «متیکوس»^۲ هاست؛ اصطلاحی که به بیگانگان آزاد ساکن در آتن اطلاق می‌شد (استاتارد، ۱۳۹۷: ۷۶).

واردات منظم خارجی‌ها برای کار به عنوان برده و ارتباط ایدئولوژیک (متعاقب) آن با بربریت، ممکن است دست‌کم در آتن با اصلاحات سولون، دولت‌مرد، قانونگذار و شاعر آتینی در اوایل سده ششم (۵۹۴-۵۹۳ پ.م) مرتبط بوده باشد؛ زیرا نخستین و بی‌شک مهم‌ترین

1. Λαύριο/ Laurium
2. μέτοκος/ Metic

دست‌آورد او در مقام قانونگذار، تصویب «قانون معاف‌سازی» یا «لغو دیون» بود که به «سئیساختیئا»^۱ (برداشتن بار از دوش) معروف شد (عبدالرحیم‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۷). پیش از آن، بنا بر نخستین قانون اساسی آتن موسوم به «قانون دراکون»^۲ (وضع‌شده: حدود سال ۶۲۴ پ.م.)، اگر کسی توان پرداخت قروض و بدهی‌های خود را نداشت، دارایی‌اش به تصرف طلبکار درمی‌آمد و اگر دارایی‌های او جواب‌گوی بدهی‌هایش نبود، شخصاً در زمرهٔ اموال طلبکار درمی‌آمد و به بردگی گرفته می‌شد (Ehrenberg, 2011: 45). به گفتهٔ ارسطو، سولون «پس از آنکه بر اریکهٔ قدرت نشست، مردمان عهد خویش و آیندگان را از بیگاری و بردگی در مقابل عدم پرداخت دیون آزاد ساخت» (ارسطو، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۱). پس از اقدامات سولون، با توجه به اینکه آتنیان دیگر نمی‌توانستند همشهریان خود را به بردگی گیرند، به خرید برده از مناطق خارجی روی آوردند تا نیازهای خود را در مناطق شهری، زمین‌های کشاورزی و مراکز صنعتی برطرف کنند (دوبلوئیس و وان‌دراسپیک، ۱۴۰۰: ۱۴۵) و دیری نپایید تجارت برده - که بسیاری از یونانیان را با نیروی کار خدمتگذار تأمین می‌کرد - برای آنان به تجارتی بین‌المللی تبدیل شد (Kyrtatas, 2011: 93).

از این رو، می‌توان احتمال داد که رشد فزایندهٔ برده‌گیری از میان بربرها، پس از قانون «لغو دیون» سولون روی داده باشد. در این میان، احتمال به بردگی گرفتن یونانیان توسط یونانیان نیز (به‌ویژه پس از جنگ‌ها و فتوحات) وجود داشت که البته بیشتر از روی استثناء بود و نه قاعده. برای نمونه، ثوکودیدس گفته است که در پی خشم گرفتن آتنیان بر «موتیلنه‌ای‌ها»^۳ تصمیم بر این شد که: «نه‌تنها زندانیان، بلکه همهٔ مردان موتیلنه را بکشند و زنان و کودکانشان را برده کنند» (ثوکودیدس، ۱۳۹۷: ۱۷۱).

در سپیده‌دمان سدهٔ پنجم پیش از میلاد، نسبت بردگان خریداری شده از خارج به حدی بود که جز در اسپارت، تسالیا، کرت و شاید چند منطقهٔ دیگر، «برده بودن» مترادف با «بربر بودن» شده بود و این انگاره به سرعت در جهان یونانی گسترش یافت (Kyrtatas, 2011: 93). با آنکه بردگان را می‌توان بیرون از نظام سیاسی یونان دید و تعریف کرد، اما نقش پررنگ آنان به عنوان «دیگری» - و نه «عامل» (Agent) - در نظام اقتصادی حکومت-شهرها مسئله‌ای مهم بود که به تثبیت و تعریف هویت‌ها در «جامعهٔ سیاسی آزاد یونان» (به‌ویژه در حکومت-شهر آتن) کمک کرد. چند دههٔ بعد، در دموکراسی توسعه‌یافتهٔ آتنی می‌بینیم که شهروند آتنی «آزاد» (ἐλεύθερος/ eleutheros) از یک سو خود را در تقابل با «برده» تعریف می‌کرد و از سویی در

1. Σεισάχθεια/ Seisachtheia
2. Νόμοι του Δράκοντα/ Draconian constitution
3. Μυτιλήνη/ Mytilene

تقابل با «بربر». این دیگری سازی دوگانه به احتمال بسیار از سده ششم پیش از میلاد آغاز شده بود و اتفاقاً یکی از مهم ترین کلیشه های یونانیان درباره بردگان نیز مؤید این ادعاست؛ اینکه «بردگان از نظر ذهنی ناقص و عقب افتاده اند». این انگاره کلیشه ای با نگاهی که یونانیان عصر عتیق به «بربرها» داشته اند، مستقیماً در ارتباط است و ثابت می کند که نگاه آنان به بربرها نیز «بالا به پایین» و «توأم با تحقیر» بوده است (ن.ک. به: ادامه). بعدها ارسطو این تفکر قالبی را در امتزاج با ایده پسا کلاسیک^۱ «استبداد شرقی» به نظریه معروف خود در کتاب اول سیاست تبدیل کرد: اینکه «بربرها بالذات برده اند» (Aristotle, 1984: 2/1987-1989, 1999-2000). به باور او، همان طور که انسان بر حیوان برتری دارد، نژاد انسان های «ذاتاً آزاد» هم بر نژاد «بردگان بالذات» برتری دارد و «برده بالذات» به راحتی قابل شناسایی است؛ او «بربر» است.

همو در کتاب اصول حکومت آتنیان آورده است که «پسیستراتوس»^۲ (حدود ۶۰۵-۵۲۸ پ.م) دژسالار (= جبار) آتنی، پس از فراری شدن از آتن (حدود ۵۵۰ پ.م)، متوجه تپه های پانگایون^۳ - با معادن سرشار از طلا و نقره اش - در ناحیه تراکیا شد و «در آنجا سرمایه فراوان و یارانی وفادار به دست آورد» (ارسطو، ۱۳۸۲: ۵۰-۵۱). نظر به این گواهی، احتمالاً نخستین بربرهایی که توسط آتنیان به بردگی گرفته شده اند، «تراکیایی ها» بوده اند (Rosivach, 1999: 129ff). این مسئله از بُعدی دیگر نیز اثبات پذیر است و آن، گزارش یولیوس پولودئوکس^۴ مبنی بر «سرخ موی بودن» (Ξανθοί/ Xanthias) نقاب هایی است که بازیگران شادایگان ها در جشنواره دیونوسوس بر چهره می زدند که مشخصه بارز اهالی تراکیا بوده است (Rosivach, 1999: 156; Wrenhaven, 2011: 115-116; ن.ک. به: شکل ۱). به عقیده روسیواج، با توجه به اینکه تراکیایی ها در قیاس با آتنیان زندگی «بدوی تری» داشته اند، ممکن است این ایده در ذهن آتنیان به وجود آمده باشد که آنان به لحاظ ذهنی هم عقب مانده اند (Rosivach, 1999: 152) و بلافاصله بر اساس خصلت «تعمیم دهندگی» ذهنشان (کیتو، ۱۳۹۳: ۲۰۵)، این مسئله را به تمامی جوامع بربر نسبت داده باشند. این دقیقاً همان نکته ای است که در پاره نوشته هراکلیتوس بدان اشاره شد. در واقع، فقدان لوگوس ذاتی و ضعف زبانی بردگان بربر که در بهترین حالت باعث می شد تنها دستورات اربابشان را فهم و از آن پیروی کنند، برای آتنیان به قاعده ای تبدیل شده بود که برحسب آن گویی تمامی مردمان

۱. در این جمله، تأکید نگارندگان بر واژه «پسا کلاسیک» است؛ زیرا نمی توان تمامی ایده های یونان عصر کلاسیک را به گونه ای «کسیاسی» به یونان پیشاکلاسیک نسبت داد.

2. Πεισίστρατος/ Peisistratus

3. Pangaion Hills

4. Ίούλιος Πολυδεύκης/ Ioulios Polydeukes

بربر از نظر ذهنی ناقص و عقب‌افتاده بودند (Smith, 1991: 152). حتی آن دسته از آتنیانی که مانند کیمون فرزند میلتیادس، پرورده زهدانِ مادری بربر بودند، با وجود تمام جان‌فشانی‌هایشان برای پُلّیس، تا پایان عمر به اتهام واهی عاری بودن از هوشمندی و فصاحت (که ویژگی هر آتنی اصیل محسوب می‌شد)، به سخره گرفته می‌شدند (استاتارد، ۱۳۹۷: ۶۷).



شکل ۱. نقاب تراکوتایی برده در شادیگان‌های یونانی، سده دوم پیش از میلاد
(Wrenhaven, 2011: 102)

محل نگهداری: موزه ملی باستان‌شناسی، آتن، یونان

افزون بر این، غالباً در شادیگان‌های آتنی می‌بینیم که بربرها -خواه آزاد و خواه برده- به دلیل ظاهرشان مورد «تمسخر» و «اغفال» قرار می‌گرفتند و طرز تفکر و صحبت‌کردنشان احمقانه جلوه داده می‌شد (Aristophanes, 2004: 346; Hall, 1989: 122). این شادیگان‌ها با آنکه در آتن سده پنجم پیش از میلاد و پس از سال‌ها کشمکش با مردمان بربر پدید آمده بودند، شمه‌ای از عقاید و تفکرات قالبی یونانیان پیشاکلاسیک را به ما نشان می‌دهند. یکی از چشمگیرترین نمونه‌ها، نمایش کمانداران سکایی به عنوان «بردگان عمومی در خدمت پُلّیس» (δημόσιοι/ demosioi) در شادیگانِ *تسمُفُریازوسای*^۱ اثر آریستوفانس^۲ است که هم یونانی را

1. *Θεσμοφοριάζουσαι/ Thesmophoriazousai*
2. *Αριστοφάνης/ Aristophanes*

به صورت دست‌وپاشکسته صحبت می‌کنند و هم درک درستی از مباحث ندارند که مشخصاً توانش ذهنی پایین آنها را به ذهن متبادر می‌کند (Aristophanes, 2004: 49). در انتهای این شادایگان می‌بینیم که یکی از آن سکایان تفاوت میان دو اسم «گورگوس» (نام نویسنده‌ای بنام) و «گورگون» (هیولاهایی مادینه در اساطیر یونان) را به سختی متوجه می‌شود. «آرتمیسیا»^۱ (که نام شهبانوی مشهور هالیکارناسوس بود) را «آرتموکسیا»^۲ تلفظ می‌کند و حتی در گفتارش به سهوهای دستوری دچار می‌شود (← کاربرد «به یاد می‌خواهم آورد» به جای «به یاد خواهم سپرد»؛ ر.ک. به: Aristophanes, 2004: 346). به لحاظ زیبایی‌شناختی هم فرق بسیاری میان نگرش آتنی و سکایی می‌بینیم. در این شادایگان، شخصیت ائوریپیدس از پدرزن خود «منسیلوخوس»^۳ می‌خواهد که مانند پارسیان برقصد و چنان‌که می‌دانیم، رقص پارسی در جهان باستان به زیبایی شهره بوده است،^۴ اما جنگجوی سکایی که گویی هیچ شناختی از فرهنگ و هنر و زیبایی نداشته، رقص منسیلوخوس را به جهیدن گکی در پشم گوسفند تشبیه کرد (Aristophanes, 2004: 40-49).

بدین ترتیب، می‌توان گفت ایده «تفوق و برتری یونانی بر بربر» به این دلیل ساده شکل گرفته بود که نزدیک‌ترین و معمول‌ترین تماس آتنی‌ها با بیگانگان، نه با سفیران یا مزدوران، بلکه با بردگان بوده است (Long, 1986: 108)؛ بردگانی که آشنایی‌شان با فرهنگ و زبان یونانی بسیار اندک بوده است و تنها با دچار شدن به «مرگ اجتماعی» می‌توانستند به خدمت حکومت-شهر دیگری ستیز و نژادپرست آتن درآیند (برای تفصیل، ر.ک. به: Patterson, 1982). این خود از واضح‌ترین نشانه‌هایی است که نهاد برده‌داری در یونان باستان نه تنها سیاسی یا فرهنگی، بلکه به یقین دارای خاستگاهی نژادی بوده است (Finley, 1980: 119).

نتیجه‌گیری

واژه «بربر» که مُمیزِ یونانی از غیر یونانی بوده، نخستین بار در *ایلیاد* هومر به کار رفته و تا پیش از آغاز عصر کلاسیک یونان تحولات بسیاری داشته است. با بررسی متون و پاره‌نوشته‌های بر جای مانده از سده هفتم و ششم پیش از میلاد، مشخص شد که این واژه دست‌کم در سه متن (سخن منسوب به تالس، چکامه آناکرئون و پیشگویی خطاب به باتوس) با دلالت‌های صراحتاً

1. Ἀρτεμισία/ Artemisia
2. Ἀρταμουξία/ Artamouxia
3. Μνησίλοχος /Mnesilochus

۴. برای نمونه، ر.ک. به: آثانیس [به نقل از دوریس ساموسی]، ۱۳۸۶: ۳۱؛ Xenophon: 1914: 2/382-383.

منفی همراه بوده است که خود خبر از تحولات اجتماعی در یونان مرکزی و آسیای صغیر می‌دهد. مقارن با همین ایام، «سولون»، دولتمرد آتنی، قانون سئیساختیا را به تصویب رساند که مانع از تبدیل شدن شارمند آزاد آتنی به برده می‌شد و با توجه به اینکه آتینان دیگر نمی‌توانستند همشهريانسان را به بردگی بگیرند، به خرید برده از مناطق خارجی روی آوردند. ورود بردگان کثیرالشمار بربر به آتن - که از دیرباز «مکتب هلاس» به شمار می‌رفت - نوعی حس برتر بودن را در خودانگاره جمعی یونانیان به وجود آورد و این احساس جمعی، رفته‌رفته با ایجاد کلیشه‌هایی منفی درباره بردگان و بربرها تقویت شد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که «بردگان بربر» به عنوان «دیگری‌هایی درونی» در شکل‌گیری هویت جمعی یونانیان نقش بسزایی داشتند و باعث شدند جمیع جوامع بربر در چشم یونانیان فرومایه جلوه کنند.

منابع و مأخذ

- آثانیس (۱۳۸۶)، *ایرانیات در کتاب بزم فرزندگان*، برگردان و یادداشت‌ها از جلال خالقی مطلق، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ارسطو (۱۳۸۲)، *اصول حکومت آتن*، ترجمه و تحشیه محمدابراهیم باستانی‌پاریزی، با مقدمه غلامحسین صدیقی، تهران: علم.
- استاتارد، دیوید (۱۳۹۷)، *تاریخ یونان باستان در پنجاه زندگینامه*، ترجمه شهربانو صارمی، تهران: نشر ققنوس.
- استرابو (۱۳۹۶)، *جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن، چاپ دوم.
- افلاطون (۱۳۹۹)، *پنج رساله*، ترجمه محمود صنّاعی، تهران: هرمس، چاپ نهم.
- انوریپیدس (۱۳۹۹)، *کاهنه‌های باکوس*، ترجمه عاطفه طاهایی، تهران: نشر دات، چاپ سوم.
- ثوکودیدس (۱۳۹۷)، *تاریخ جنگ پلوپونزی*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- دوبلوئیس، لوکاس و روبرتوس وان‌دراسپک (۱۴۰۰)، *دیباچه‌ای بر جهان باستان*، ترجمه مرتضی‌ناقب‌فر، تهران: ققنوس، چاپ هفتم.
- دیوگنس لائرتیوس (۱۳۹۳)، *فیلسوفان یونان*، ترجمه بهراد رحمانی، تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- سنگاری، اسماعیل، امیرحسین مقدّس و عرفانه خسروی (۱۴۰۱)، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در دنیای باستان: زندگی، زمانه و کارنامه هرودوت هالیکارناسوسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- عبدالرحیم‌زاده، سید نعمت‌الله (۱۳۹۵)، «سولون، راهبر آتن به سوی دموکراسی»، *غرب‌شناسی بنیادی*،

فصلنامه علمی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)، سال ۳۲، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۱ / ۱۳۷

سال هفتم، شماره ۱، صص ۴۵-۶۶.

عهد عتیق: کتاب‌های شریعت یا تورات (۱۳۹۳)، ترجمه بیروز سیار، تهران: هرمس.
کیتو، هامفری دیوی (۱۳۹۳)، یونانیان، ترجمه سیامک عاقلی، تهران: نشر ماهی.
گراهام، دانیل دبلیو (۱۳۹۹)، پاره‌نوشته‌های پیشاستقراطی، ترجمه بهناز دهکردی، تهران: نشر امیرکبیر.
میرزایی، علی‌اصغر (۱۳۸۹)، «درباره ماهیت، مختصات و چارچوب امپراتوری هخامنشیان»، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، شماره ۵، صص ۱۱۳-۱۴۷.
هرودوت (۱۳۸۹)، تاریخ هرودوت، ترجمه مرتضی ناقب‌فر، ج ۱، تهران: اساطیر.

منابع لاتین

- Almagor, E. (2005), "Who Is a Barbarian? The Barbarians in the Ethnological and the Cultural Taxonomies of Strabo", *Strabo's Cultural Geography*, D. Dueck, H. Lindsay and S. Potheary (eds), Cambridge and New York: Cambridge University Press, pp.42-55.
- Aristophanes (2004), *Thesmophoriazousae*, Colin Austin and S. Douglas Olson (eds) with Introduction and Commentary, Oxford: Oxford University Press.
- Aristotle (1984), *The Complete Works of Aristotle: The Revised Oxford Translation*, vol. 1 and 2, Edited by Jonathan Barnes, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Aygin, Ö. (2017), *The Middle Included: Logos in Aristotle*, Evanston and Illinois: Northwestern University Press.
- Beekes, R. S. P. (2010), *Etymological Dictionary of Greek*, with the assistance of Lucien van Beek, Leiden and Boston: Brill.
- Benveniste, É. (2016), *Dictionary of Indo-European Concepts and Society*, E. Palmer (Trans), Chicago: Hau Books.
- Bernsdorff, H. (2021), *Anacreon of Teos: Testimonia and Fragments*, vol.1, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Burkert, W. (1976), "Das hunderttorige Theben und die Datierung der Ilias", *Wiener Studien*, No.89, pp.5-21.
- Burstein, S. M. (2010), "Changing Greek Views of Achaemenid Persia in the Classical Period", *Nāme-ye Īrān-e Bāstān: The International Journal of Ancient Iranian Studies* 10 (1-2), pp.3-15.
- Cartledge, P. A. (2002), *The Greeks: A Portrait of Self and Others*, Oxford: Oxford University Press.
- Chantraine, P. L. (1968), *Dictionnaire étymologique de la langue grecque*, vol.1, Paris: Éditions Klincksieck.
- Ehrenberg, V. (2011), *From Solon to Socrates: Greek History and Civilization during the Sixth and Fifth Centuries B.C.*, London and New York: Routledge.
- Euripides (1996), *Bacchae*, Richard Seaford (Trans), With an Introduction and Commentary, Warminster: Aris & Phillips Ltd.
- Finley, M. I. (1980), *Ancient Slavery and Modern Ideology*, New York: Viking Press.
- Graham, D. W. (2008), "Heraclitus: Flux, Order, and Knowledge", *The Oxford Handbook of Presocratic Philosophy*, Patricia Curd and Daniel W. Graham (eds), Oxford and New York: Oxford University Press, pp.169-188.
- (2010), *The Texts of Early Greek Philosophy: The Complete Fragments and Selected Testimonies of the Major Presocratics*, vol.1, Cambridge: Cambridge University Press.
- Hall, E. (1989), *Inventing the Barbarian, Greek Self-Definition through Tragedy*, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Hall, J. M. (2002), *Hellenicity: Between Ethnicity and Culture*, Chicago: University of Chicago Press.

- Harrison, T. (1998), "Herodotus' Conception of Foreign Languages", *Histos*, No.2, pp.1–45.
- Herodotus (1920, 1921 and 1925), *Herodotus*, vol. 1, 2 and 4, A. D. Godley (Trans), London and Cambridge: Heinemann; Harvard University Press.
- Homer (1919), *Odyssey*, vol.1, A. T. Murray (Trans), Revised by G. E. Dimock, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Homer (1924), *Iliad*, vol.1, A. T. Murray (Trans), Revised by W. F. Wyatt, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kelly, A. D. (2011), "Barbarians", *The Homer Encyclopedia*, vol.1, Margalit Finkelberg (ed), Chichester, West Sussex: Wiley-Blackwell.
- Kim, H. J. (2013), "The Invention of the 'Barbarian' in Late Sixth-Century BC Ionia", *Ancient Ethnography: New Approaches*, Eran Almagor and Joseph Skinner (eds), London and New York: Bloomsbury Academic, pp.25–48.
- Kyrtatas, D. J. (2011), "Slavery and Economy in the Greek World", *The Ancient Mediterranean World, vol. 1 of The Cambridge World History of Slavery*, K. R. Bradley and P. A. Cartledge (eds), Cambridge: Cambridge University Press, pp.176–193.
- Lejeune, M. (1958), *Mémoires de philologie mycénienne. Première série (1955-1957)*, Paris: Centre National de la Recherche Scientifique.
- Levine Gera, D. (2003), *Ancient Greek Ideas on Speech, Language, and Civilization*, Oxford: Oxford University Press.
- Lévy, E. (1984), "Naissance du concept de barbare", *Ktèma: civilisations de l'Orient, de la Grèce et de Rome antiques*, No.9, pp.5–14.
- Long, T. (1986), *Barbarians in Greek Comedy*, Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Marincola, J. (2007), "The Persian Wars in Fourth-Century Oratory and Historiography", *Cultural Responses to the Persian Wars: Antiquity to the Third Millennium*, E. Bridges, E. Hall, and P. J. Rhodes (eds), Oxford: Oxford University Press, pp.105–127.
- Mayrhofer, M. (1998), *Etymologisches Wörterbuch des Altindoarischen*, vol.2, Heidelberg: Carl Winter, Universitätsverlag.
- Müller, M. (1867), "Barbara und βάρβαρος", *Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung auf dem Gebiete des Deutschen, Griechischen und Lateinischen*, 16 (6), pp.453–454.
- Osborne, R. G. (2009), *Greece in the Making, 1200–479 B.C.*, London: Routledge.
- Page, D. L. (ed) (1962), *Poetae Melici Graeci*, Oxford: Clarendon Press.
- Parke, H. W. and D. E. W. Wormell (1956), *The Delphic Oracle, The Oracular Responses*, vol.2, Oxford: Basil Blackwell.
- Patterson, O. (1982), *Slavery and Social Death: A Comparative Study*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Pokorny, J. (1959), *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, vol.1, Bern: Francke.
- Rosivach, V. (1999), "Enslaving Barbaroi and the Athenian Ideology of Slavery", *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte* 48, pp.129–157.
- Smith, N. D. (1991), "Aristotle's Theory of Natural Slavery", *A Companion to Aristotle's Politics*, D. Keyt and F. D. Miller, Jr. (eds.), Oxford: Blackwell Pub, pp.142–155.
- Strabo (2014), *The Geography of Strabo*, Duane W. Roller (Trans), Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Tordoff, R. (2013), "Introduction: Slaves and Slavery in Ancient Greek Comedy", *Slaves and Slavery in Ancient Greek Comic Drama*, B. Akrigg and R. Tordoff (eds), Cambridge: Cambridge University Press, pp.1–62.
- Tuplin, C. (1999), "Greek Racism? Observations on the Character and Limits of Greek Ethnic Prejudice", *Ancient Greeks: West and East*, Gocha R. Tsetsckhladze (ed), Leiden: Brill, pp.47–75.
- Weiler, I. (1968), "Greek and Non-Greek World in the Archaic Period", *GRByS*, No.9, pp.21–29.
- Weidner, E. (1913), "βάρβαρος", *Glotta*, No.4, pp.303–304.
- Wrenhaven, K. L. (2011), "Greek Representations of the Slave Body: A Conflict of Ideas?", *Reading Ancient Slavery*, Richard Alston, Edith Hall and Laura Proffitt (eds), London: Bristol Classical Press, pp.97–120.
- Xenophon (1914), *Cyropaedia*, vol.2, W. Miller (Trans), Cambridge, MA: Harvard University Press.

List of Sources with English Handwriting

- Abdollahzadeh, Seyed Nematollah (2016), "Solon: The Leader of Athens to Democracy," *Occidental Studies* 7(1), Pp. 45–66. [In Persian]
- 'Ahd-e 'Atiq: Ketābhā-ye Šari'at yā Towrāt (2014), Translated by Piroz Sayyar, Tehran: Hermes Publication. [In Persian]
- Aristotle (2003), *De republica Atheniensium*, Translated by Mohammad Ebrahim Bastani Parizi, Fifth Edition, Tehran: 'Elm Publication. [In Persian]
- Athenaeus (2007), *Īrānīyyāt dar Ketāb-e Bazm-e Farzānegān*, Translated by Jalal Khaleghi-Motlagh, Tehran: the Center for Great Islamic Encyclopaedia. [In Persian]
- Blois, Lukas de, and R. J. van der Spek (2021), *An Introduction to the Ancient World*, Translated by Morteza Saqebfar, Seventh Edition, Tehran: Qoqnūs Publication. [In Persian]
- Diogenes Laertius (2014), *De vitis philosophorum*, Translated by Behrad Rahmani, Second Edition, Tehran: Markaz Publication. [In Persian]
- Euripides (2020), *Les Bacchantes*, Translated by Atefe Tahaei, Third Edition, Tehran: Dāt Publication. [In Persian]
- Graham, Daniel W. (2020), *The Texts of Early Greek Philosophy the Complete Fragments and Selected Testimonies of the Major Presocratics*, Translated by Behnaz Dehkordi, Tehran: Amirkabir Publication. [In Persian]
- Herodotus (2010), *The Histories of Herodotus*, 2 vols., Translated by Morteza Saqebfar, Tehran: Asāfir. [In Persian]
- Kitto, Humphrey Davy Findley (2014), *The Greeks*, Translated by Siamak Aqili, Tehran: Māhi Publication. [In Persian]
- Mirzaei, Aliasghar (2010), "About the Nature, Coordinates and Framework of the Achaemenid Empire," *Quarterly Journal of History of Islam and Iran of Alzahra University* 20(5), Pp. 113–147. [In Persian]
- Plato (2020), *Laches, Lysis, Ion, Protagoras and Symposium*, Translated by Mahmud Sanaei, Tehran: Hermes Publication. [In Persian]
- Sangari, Esmail, Amirhosein Moqaddas and Erfaneh Khosravi (2022), *Historiographie et Perspective Historique dans le Monde Ancien: la vie, l'époque et les actes d'Hérodote d'Halicarnasse*, Second Edition, Tehran: Tehran University Press. [In Persian]
- Strabo (2017), *Strabo's Geography: Lands under Achaemenid Rule*, Translated by Homayun Sanatizadeh, Tehran: Doctor Mahmud Afshar Publication with the cooperation of Soğan Publication. [In Persian]
- Stuttard, David (2018), *A History of Ancient Greece in Fifty Lives*, Translated by Shahrbanu Saremi, Tehran: Qoqnus Publication. [In Persian]
- Thucydides (2018), *Geschichte des Peloponnesischen Krieges*, Translated by Mohammad Hassan Lotfi, Tehran: 'Elmī - Farhangī Publication. [In Persian]

English, German and French Sources

- Almagor, E. (2005), "Who Is a Barbarian? The Barbarians in the Ethnological and the Cultural Taxonomies of Strabo," In: *Strabo's Cultural Geography*, D. Dueck, H. Lindsay and S. Pothecary (eds), Cambridge and New York: Cambridge University Press, Pp. 42–55.
- Aristophanes (2004), *Thesmophoriazusae*, Colin Austin and S. Douglas Olson (eds.) with Introduction and Commentary, Oxford: Oxford University Press.
- Aristotle (1984), *The Complete Works of Aristotle: The Revised Oxford Translation*, 2 vols., Edited by Jonathan Barnes, Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Aygün, Ö. (2017), *The Middle Included: Logos in Aristotle*, Evanston and Illinois: Northwestern University Press.
- Beekes, R. S. P. (2010), *Etymological Dictionary of Greek*, with the assistance of Lucien van Beek, Leiden and Boston: Brill.

- Benveniste, É. (2016), *Dictionary of Indo-European Concepts and Society*, E. Palmer (Trans.), Chicago: Hau Books.
- Bernsdorff, H. (2021), *Anacreon of Teos: Testimonia and Fragments*, 2 vols., Oxford and New York: Oxford University Press.
- Burkert, W. (1976), "Das hunderttorige Theben und die Datierung der Ilias," In: *WS 89*, Pp. 5–21.
- Burstein, S. M. (2010), "Changing Greek Views of Achaemenid Persia in the Classical Period," In: *Nāme-ye Irān-e Bāstān: The International Journal of Ancient Iranian Studies* 10(1-2), Pp. 3–15.
- Cartledge, P. A. (2002), *The Greeks: A Portrait of Self and Others*, Oxford: Oxford University Press.
- Chantraine, P. L. (1968), *Dictionnaire étymologique de la langue grecque*, vol. I, Paris: Éditions Klincksieck.
- Ehrenberg, V. (2011), *From Solon to Socrates: Greek History and Civilization during the Sixth and Fifth Centuries B.C.*, London and New York: Routledge.
- Euripides (1996), *Bacchae*, Richard Seaford (Trans.), With an Introduction and Commentary, Warminster: Aris & Phillips Ltd.
- Finley, M. I. (1980), *Ancient Slavery and Modern Ideology*, New York: Viking Press.
- Graham, D. W. (2008), "Heraclitus: Flux, Order, and Knowledge," In: *The Oxford Handbook of Presocratic Philosophy*, Patricia Curd and Daniel W. Graham (eds.), Oxford and New York: Oxford University Press, Pp. 169–188.
- Graham, D. W. (2010), *The Texts of Early Greek Philosophy: The Complete Fragments and Selected Testimonies of the Major Presocratics*, 2 vols., Cambridge: Cambridge University Press.
- Hall, E. (1989), *Inventing the Barbarian, Greek Self-Definition through Tragedy*, Oxford and New York: Oxford University Press.
- Hall, J. M. (2002), *Hellenicity: Between Ethnicity and Culture*, Chicago: University of Chicago Press.
- Harrison, T. (1998), "Herodotus' Conception of Foreign Languages," In: *Histos* 2, Pp. 1–45.
- Herodotus (1920–1925), *Herodotus*, 4 vols., A. D. Godley (Trans), London and Cambridge: Heinemann; Harvard University Press.
- Homer (1919), *Odyssey*, 2 vols., A. T. Murray (Trans.), Revised by G. E. Dimock, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Homer (1924), *Iliad*, 2 vols., A. T. Murray (Trans.), Revised by W. F. Wyatt, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kelly, A. D. (2011), "Barbarians," In: *The Homer Encyclopedia*, 3 vols., Margalit Finkelberg (ed.), Chichester, West Sussex: Wiley-Blackwell.
- Kim, H. J. (2013), "The Invention of the 'Barbarian' in Late Sixth-Century BC Ionia," In: *Ancient Ethnography: New Approaches*, Eran Almagor and Joseph Skinner (eds.), London and New York: Bloomsbury Academic, Pp. 25–48.
- Kyrtatas, D. J. (2011), "Slavery and Economy in the Greek World," In: *The Ancient Mediterranean World, vol. I of The Cambridge World History of Slavery*, K. R. Bradley and P. A. Cartledge (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, Pp. 176–193.
- Lejeune, M. (1958), *Mémoires de philologie mycénienne. Première série (1955-1957)*, Paris: Centre National de la Recherche Scientifique.
- Levine Gera, D. (2003), *Ancient Greek Ideas on Speech, Language, and Civilization*, Oxford: Oxford University Press.
- Lévy, E. (1984), "Naissance du concept de barbare," In: *Ktèma: civilisations de l'Orient, de la Grèce et de Rome antiques*, N°9, Pp. 5–14.
- Long, T. (1986), *Barbarians in Greek Comedy*, Carbondale: Southern Illinois University Press.
- Marincola, J. (2007), "The Persian Wars in Fourth-Century Oratory and Historiography," In: *Cultural Responses to the Persian Wars: Antiquity to the Third Millennium*, E. Bridges, E. Hall, and P.J. Rhodes (eds.), Oxford: Oxford University Press, Pp. 105–127.
- Mayrhofer, M. (1986-2002), *EWAia*, 3 Bände, Heidelberg: Carl Winter, Universitätsverlag.

- Müller, M. (1867), "Barbara und βάρβαρος," In: *Zeitschrift für vergleichende Sprachforschung auf dem Gebiete des Deutschen, Griechischen und Lateinischen* 16(6), Pp. 453–454.
- Osborne, R. G. (2009), *Greece in the Making, 1200–479 B.C.*, London: Routledge.
- Page, D. L. (ed.) (1962), *PMG*, Oxford: Clarendon Press.
- Parke, H. W. and Wormell, D. E. W. (1956), *The Delphic Oracle*, 2 vols., Oxford: Basil Blackwell.
- Patterson, O. (1982), *Slavery and Social Death: A Comparative Study*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Pokorny, J. (1959), *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, 3 Bände, Bern: Francke.
- Rosivach, V. (1999), "Enslaving Barbaroi and the Athenian Ideology of Slavery," *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte* 48, Pp. 129–157.
- Smith, N. D. (1991), "Aristotle's Theory of Natural Slavery," In: *A Companion to Aristotle's Politics*, D. Keyt and F. D. Miller, Jr. (eds.), Oxford: Blackwell Pub, Pp. 142–155.
- Strabo (2014), *The Geography of Strabo*, Duane W. Roller (Trans.), Cambridge and New York: Cambridge University Press.
- Tordoff, R. (2013), "Introduction: Slaves and Slavery in Ancient Greek Comedy," In: *Slaves and Slavery in Ancient Greek Comic Drama*, B. Akrigg and R. Tordoff (eds.), Cambridge: Cambridge University Press, Pp. 1–62.
- Tuplin, C. (1999), "Greek Racism? Observations on the Character and Limits of Greek Ethnic Prejudice," In: *Ancient Greeks: West and East*, Gocha R. Tsetskhladze (ed.), Leiden: Brill, Pp. 47–75.
- Weiler, I. (1968), "Greek and Non-Greek World in the Archaic Period," In: *GRByS* 9, Pp. 21–29.
- Weidner, E. (1913), "βάρβαρος," In: *Glotta* 4, Pp. 303–304.
- Wrenhaven, K. L. (2011), "Greek Representations of the Slave Body: A Conflict of Ideas?" In: *Reading Ancient Slavery*, Richard Alston, Edith Hall and Laura Proffitt (eds.), London: Bristol Classical Press, Pp. 97–120.
- Xenophon (1914), *Cyropaedia*, vol. 2, W. Miller (Trans.), Cambridge, MA: Harvard University Press.



Rethinking on the Evolution of the Concept of “Barbarian” in Archaic Greece: From the Trojan War to Greco-Persian Wars¹

Amirhossein Moghaddas²
Morteza DehghanNezhad³
Esmaeil Sangari⁴

Received: 2022/12/13
Accepted: 2023/02/20

Abstract

In the surviving texts from the classical period of Greece, we come across a common word-especially in reference to the Achaemenid Persians-that is still used in the political literature of the contemporary world: Barbarian, derived from the Greek word βάρβαρος. This word, first used in the second book of Homer's Iliad as βαρβαρόφωνος (= speaking a foreign language), indicated only linguistic heterogeneity and meant stranger. Between the 7th and 6th centuries BC, the use of this word increased and it was used not only for linguistic "othering" but also to refer to cultural differences and appreciation of the social system of non-Greeks. In the upcoming study, the authors aimed to analyze the semantic implications of the word βάρβαρος and highlight the turning points of its development by scrutinizing Homer's Iliad and other preserved fragments from the 6th century BC (Archaic period). The results of the present study, based on library sources, show that the word βάρβαρος has been associated with negative connotations (implicit or explicit) since the beginning of its existence in Homer's poetry. Moreover, with Solon's reforms in Athens and the increasing enslavement of non-Greeks in the Greek world of the 6th century BC, the boundary between the two terms "barbarian" and "slave" was gradually erased, and the humiliation of barbarian slaves led to the emergence of the idea of "Greek superiority over non-Greeks."

Keywords: Ancient Greece, Othering, Barbarian, Slave, Homer.

1. DOI: 10.22051/hii.2023.42214.2721

2. PhD Student of History of Ancient Iran, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Email: amirhossein.moghaddas@gmail.com

3. Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author), Email: m.dehghan@ltr.ui.ac.ir

4. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran, Email: e.sangari@ltr.ui.ac.ir

Print ISSN: 2008-885X/Online ISSN:2538-3493